



در پی ماجراجویی اخیر آمریکا نامه جمعی از اصلاح‌طلبان به دبیرکل سازمان ملل

گروه سیاست: در پی ماجراجویی‌های اخیر ایالات متحده آمریکا علیه ایران جمعی از فعالان اصلاح‌طلب در نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل از او خواستند در مقابل مخاطرات علیه صلح و امنیت جهانی ساکت ننشیند.

صفحه ۲

شنبه ۱ تیر ۱۳۹۸ • ۱۸ شوال ۱۴۴۰ • ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹

تیترا

FATF تعلیق ایران از لیست سیاه را تمدید کرد

صفحه ۲

پیشهاد آژمانبده مجلس

انتقال مسئولیت سازمان زندان‌ها به وزارت دادگستری

صفحه ۳

سوءاستفاده سیاسی از صنعت خودرو

صفحه ۵

تبعات سیاست واگذاری اموال عمومی و دولتی در سال‌های اخیر بررسی شد

مشکل تعارض منافع در کشور

صفحه ۴

پل ۴۵ ساله گیشا جمع‌آوری شد

صفحه ۱۳

یک بام و دو هوای واشنگتن

مسعود شفیعی

صفحه ۴



حرف اول

شلیک به پهپاد و آینده منطقه

فریدون مجلسی . تحلیلگر روابط بین‌الملل



پهپاد یا هواپیمای صرفا جاسوسی ایالات متحده، پس از دو، سه ساعت پرواز در ساعت چهار صبح برای قدم‌زدن به منطقه نیامده و نزدیک شدنش به پایگاه پدافندی ایران اتفاقی نبوده است؛ فقط مسئولان نظامی آمریکا واکنش پدافند ایران را باور نداشته‌اند. حق دفاع به شرط وقوع جرم بر فراز آب‌های ساحلی ایران محفوظ است که به احتمال قوی از لحاظ فنی قابل اثبات است؛ البته اگر کشورهای دیگر زیر بار بروند. غرب به دلایل ۴۰ ساله، دچار چالش‌هایی با جمهوری اسلامی است. پس از انفجارهای فجیره و دو نفت‌کش در دریای عمان، همین محافل غربی انگشت اتهام را به سمت ایران گرفتند و به قصد آماده‌سازی افکار عمومی برای ضدیت بیشتر با ایران، بازی با خطر را دنبال می‌کنند. نباید اجازه ایجاد بین‌ست در فضای روابط بین‌الملل داده شود که بدیل آن جنگ است. در این شرایط صحبت از «حق» و به وعده‌ی غربی‌ها در هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌های غربی کم می‌شود و عنوان کردن در تیررس بودن امارات، بحرین، عربستان و اسرائیل نیز همان چیزی است که علاقه‌مندان به درگیر کردن ایران در جنگ می‌خواهند. تاکید بر دفاع از مرزهای جغرافیایی ایران و مذاکره با همه طرف‌های درگیر، یک اصل اساسی است. اتفاق ساقط کردن پهپاد جاسوسی آمریکا، نشان دادن خطر ناپودی به همسایگان عرب ایران است که شاید حساب کار خودشان را بکنند و به شعار مقاومت ملی تا آخرین قطره خون سربازان آمریکایی دلخوش نباشند؛ اما مسئله ما حل نمی‌شود. درست است که سیاست باید خودش را به حقوق نزدیک کند؛ اما محور در عرصه سیاست امروز جهان حق نیست؛ بلکه منافع ملی بر مبنای قدرت است. احتمالا اسرائیل بیشترین تلاش را برای ایران‌هراسی ادامه می‌دهد و تهدید ایران علیه خود را جدی‌تر عنوان می‌کند.

ادامه در صفحه ۲



یک پهپاد آمریکایی توسط پدافند نیروی هوافضای سپاه سرنگون شد

ماجرای سرنگونی گلوبال هاوک

خبر آخر؛ ترامپ: بدون هیچ پیش شرطی آماده مذاکره ام / هیچ دستور نهایی برای حمله صادر نکرده ام

صفحه ۲



صفحه ۶

عکس: سهیل تاک، شرق

به مناسبت زادروز عباس کیارستمی

کیارستمی ستایشگر زندگی یا مرگ‌اندیش؟

گروه هنر: «بی عقل چرا این همه رنج را تحمل می‌کنی؟ از چه می‌ترسی؟ به هر سو که بنگری پایان رنج‌هایت را می‌بینی. این دره را می‌بینی؟ راه آزادی ماست. این درخت را می‌بینی؟ به هریک از شاخه‌هایش آزادی تو آویزان است» (عباس کیارستمی...

صفحه ۱۰

سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۶ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

در بر همان پاشنه می چرخد؟

احمد غلامی . سردبیر



مجادله قلمی محسن میردامادی و کرباسچی بر سر ماجرای محمدعلی نجفی بیش از آنکه مجادله‌ای اخلاقی باشد، مجادله‌ای سیاسی است که پرده از اختلافات طیف‌های اصلاح‌طلب برمی‌دارد. اصلاح‌طلبان همواره به این بالیده‌اند که با وجود سلیقه‌های متنوع و متکثر توانسته‌اند جبهه‌ای واحد تشکیل دهند؛ جبهه‌ای که در همین اواخر به پیروزی دودوره‌ای حسن روحانی منجر شد؛ اما اکنون گویا اختلافات سیاسی آنان بروز پیدا کرده است. بی‌شک برخی از این اختلافات باور دارند که باید این اعتراضات روحانی نشئت می‌گیرد و بخشی از آن هم از تغییرات چشمگیر اجتماعی، خاصه بعد از حوادث دی ۹۶. برخی اصلاح‌طلبان باور دارند که باید این اعتراضات را جدی گرفت و هم درون طیف‌های اصلاح‌طلب هم در خارج از آن، تغییراتی به وجود آورد. شاید مجادله قلمی کرباسچی با میردامادی عمق این اختلافات را عیان نکند و این را که اختلافات اخیر بر سر چیست؟ آنچه ظن وجود این اختلافات را تقویت می‌کند، توییت حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور است که با یک تیر، دو نشان می‌زند و هم نواصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان نزدیک به محمد خاتمی را نشانه می‌رود. در توییت آشنا چنین آمده است: «تعداد زیادی از جوانان عزیز نواصولگرا سودای نمایندگی مجلس دارند. این حق‌شان است. مشکل از اعتبار سوخته فرماندهان عزیزی است که مردم باید به تکرار می‌کنم آنان پاسخ مثبت و به جوانان سیماساخته رأی بدهند». ورود آشنا به برخورد‌های جناحی نشان می‌دهد که دولت روحانی نیز درصدد است در آینده، راه خود را از برخی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان جدا کند. اگر بخت یک بار به حسن روحانی روی آورده، دلیل ندارد در بار دیگر روی نیآورد. دولت‌های انقلاب و جریان‌های سیاسی وفادار به آن منافع مشترک دارند و از این‌رو است که سرنوشت آنان در فراز و فرود به یکدیگر وابسته است و معمولا جدایی آنان از هم در روز فرود رخ می‌دهد و اغلب دولت‌ها این فرود را در دوره دوم عمر خود تجربه می‌کنند. آنان به همان دلایلی که روی کار آمده‌اند، یعنی ناکارآمدی دولت‌های قبلی در حل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با پابرجاماندن همان دلایل از توان تهی می‌شوند و با جاگذاشتن مشکلات لاینحل قدیمی و ایجاد مشکلات تازه، از صحنه سیاست بیرون می‌روند. زمانی که دولت روحانی روی کار آمد، انتظار می‌رفت که با تکیه بر تجربیات دولت‌های اصلاحات و مهرورزی، راه نسومی بگشاید. این فکر که در زمان خودش واقعیت عینی بود، اکنون بیش از هر چیز، خیالی به نظر می‌رسد.

دولت روحانی برای دستیابی به قدرت در نقطه طلایی قرار گرفته بود. دولت اصولگرای احمدی‌نژاد در برنامه‌هایش شکست خورده بود و تلاش می‌کرد این شکست را با جاه‌طلبی‌های سیاسی‌اش جبران کند و در اریکه قدرت بماند که ناکام ماند. اصلاح‌طلبان نیز تیغ دو دمی در نیام بودند؛ اصلاحات همان قدر که جامعه را پویا می‌کند، این پویایی می‌تواند سقف مطالبات را بالا ببرد و به تنش‌های طبقاتی بینجامد؛ اما این تعبیر به کار اصلاح‌طلبان هم آمد؛ دریافتند جنبش‌های اصلاحی دارای عوارض جانبی ناخواسته‌ای هستند که به‌جای مداوای بیماری سیاسی و اجتماعی ممکن است باعث درهم‌آمیختگی آنها شود و این درهم‌آمیختگی بیش از آنکه به سود اصلاحات باشد، به زیان آن تمام می‌شود؛ زیرا درهم‌آمیزی امر اجتماعی و امر سیاسی موجب تحولات بنیادین خواهد شد. تحولاتی که به دور از بینش اصلاحی اصلاح‌طلبان است؛ پس اصلاح‌طلبان به ایده جست‌وجوی منفعت فردی و همگانی بازگشتند. همان ایده‌ای که زیربنای جامعه بازار است. اصلاح‌طلبان، حامل ایده اقتصادی متفاوتی از جناح‌های دیگر نیستند. به نظر آنان در شرایط کنونی، پیگیری هرگونه ایده اقتصادی متفاوت، گریم سازگار با تفکرات آنان، منجر به اعتراضات عمودی می‌شود. اغلب دوره‌های انتخابات که به روی کارآمدن دولتی منجر شده، از دل اعتراضات افقی بیرون آمده است. همواره این اعتراضات و انتقادات خفته افقی، دستمایه‌ای شده برای برآمدن و برافتادن دولت‌ها.

ادامه در صفحه ۲

کل من علیها فان الا هو

مجاهد سربلند، هم‌رزم شهیدان راه آزادی
مهندس لطف‌الله میثمی در فقدان همسر فداکار
اندیشمند و دردآشنای خود بانو مریم روحانی به سوگ
نشسته است.

رجوع به صفحه ۶

خوش‌نامی و عزتش به پایان نرسید

با نهایت تأسف و تأثر به اطلاع می‌رساند فیروز گوران، چهره ماندگار مطبوعات ایران، دار فانی را وداع گفت. مراسم ترحیم آن شادروان روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۴ از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در شهرک غرب، ابتدای خیابان فرحزادی، روبه‌روی مجتمع تجاری میلاد نور برگزار می‌شود. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلاای خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده گوران و انجمن پیش‌کسوتان مطبوعات

افسانه هستی‌اش اگر پایان یافت

با نهایت تأسف و تأثر به اطلاع می‌رساند فیروز گوران، چهره ماندگار مطبوعات ایران، دار فانی را وداع گفت. مراسم ترحیم آن شادروان روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۴ از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در شهرک غرب، ابتدای خیابان فرحزادی، روبه‌روی مجتمع تجاری میلاد نور برگزار می‌شود. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلاای خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده گوران و انجمن پیش‌کسوتان مطبوعات

یادداشت

مدیریت سیاسی بازار نفت

خلیج‌فارس و دریای عمان برای آمریکا مانند گذشته مهم نیست». بسیاری از تحلیلگران این سخن ترامپ را به تمایل‌نداشتن او به جنگ با ایران تفسیر کردند، اما این سخن او، تفسیر دیگر و چه‌بسا مهم‌تری هم داشت و آن بی‌اهمیتی نفت خلیج‌فارس و موقعیت جغرافیایی آن در معادلات نفتی آمریکا و اقتصاد جهان است که عملا این مسئله با سیاست‌های نفتی آمریکا در دوره ترامپ و تبدیل‌شدن این کشور به یکی از صادرکنندگان عمده نفت عملی شده است. ترامپ آن است که نقش عوامل سیاسی و اهداف سیاسی در بازار نفت افزایش یافته است؛ درواقع روندهای کنونی حاکم بر بازار نفت بر مبنای اراده‌های سیاسی در حال رقم‌خوردن است. این شرایط اگرچه می‌تواند جلوه‌ای از تأثیر متغیر ژئوپلیتیک بر بازار نفت باشد، اما از جلوه‌های سنتی این متغیر متمایز است. تمایز عمده نیز پیگیری و پیشبرد اهداف عمدتا سیاسی در فرایند دخالت و مدیریت سیاسی بازار نفت است که می‌تواند در نوع خود جدید نیز باشد. بر این اساس، نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی نه ناشی از سازوکارها و قواعد عادی و طبیعی اقتصادی و تجاری بلکه تحت تأثیر اراده سیاسی دولتمردان است. در شرایط کنونی، این متغیر نه تنها عوامل و قواعد اقتصادی را از فرایند قیمت‌گذاری بازار به حاشیه برده است، بلکه عوامل سنتی ژئوپلیتیکی را نیز خنثی کرده و حتی تحت کنترل درآورده است؛ چنان‌که بعد از ماه‌ها فعالیت مؤثر متغیرهای ژئوپلیتیکی در بازار نفت مانند (تحولات ونزوئلا و شمال آفریقا)، مدتی است تب این تحولات خوابیده و در عین حال بروز برخی تحولات مانند حملات اخیر به نفت‌کش‌ها در خلیج‌فارس و دریای عمان و حتی مسئله تقویت احتمال بروز جنگ میان ایران و آمریکا در منطقه، نه‌تنها به افزایش قیمت‌ها دامن زده است، بلکه به‌نوعی به عاملی برای کاهش قیمت نفت در بازار جهانی نیز منجر شده است؛ به این معنا که برخی دولتمردان مانند ترامپ از تحولات اخیر در منطقه به عنوان ابزاری برای اثبات قدرت کنترلی خود بر بازار نفت استفاده می‌کنند. شاید به همین دلیل است که اخیرا رئیس‌جمهوری آمریکا در یک موضع‌گیری غافلگیرانه اعلام کرد که «دیگر



علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد انرژی

بازار جهانی نفت این روزها، شرایط خاصی را تجربه می‌کند؛ شرایطی که در گذشته کمتر تجربه شده است. «مدیریت سیاسی بازار» شاید بهترین تعبیری است که می‌توان بر این شرایط اطلاق کرد. این تعبیر بیانگر آن است که نقش عوامل سیاسی و اهداف سیاسی در بازار نفت افزایش یافته است؛ درواقع روندهای کنونی حاکم بر بازار نفت بر مبنای اراده‌های سیاسی در حال رقم‌خوردن است. این شرایط اگرچه می‌تواند جلوه‌ای از تأثیر متغیر ژئوپلیتیک بر بازار نفت باشد، اما از جلوه‌های سنتی این متغیر متمایز است. تمایز عمده نیز پیگیری و پیشبرد اهداف عمدتا سیاسی در فرایند دخالت و مدیریت سیاسی بازار نفت است که می‌تواند در نوع خود جدید نیز باشد. بر این اساس، نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی نه ناشی از سازوکارها و قواعد عادی و طبیعی اقتصادی و تجاری بلکه تحت تأثیر اراده سیاسی دولتمردان است. در شرایط کنونی، این متغیر نه تنها عوامل و قواعد اقتصادی را از فرایند قیمت‌گذاری بازار به حاشیه برده است، بلکه عوامل سنتی ژئوپلیتیکی را نیز خنثی کرده و حتی تحت کنترل درآورده است؛ چنان‌که بعد از ماه‌ها فعالیت مؤثر متغیرهای ژئوپلیتیکی در بازار نفت مانند (تحولات ونزوئلا و شمال آفریقا)، مدتی است تب این تحولات خوابیده و در عین حال بروز برخی تحولات مانند حملات اخیر به نفت‌کش‌ها در خلیج‌فارس و دریای عمان و حتی مسئله تقویت احتمال بروز جنگ میان ایران و آمریکا در منطقه، نه‌تنها به افزایش قیمت‌ها دامن زده است، بلکه به‌نوعی به عاملی برای کاهش قیمت نفت در بازار جهانی نیز منجر شده است؛ به این معنا که برخی دولتمردان مانند ترامپ از تحولات اخیر در منطقه به عنوان ابزاری برای اثبات قدرت کنترلی خود بر بازار نفت استفاده می‌کنند. شاید به همین دلیل است که اخیرا رئیس‌جمهوری آمریکا در یک موضع‌گیری غافلگیرانه اعلام کرد که «دیگر

یادداشت

از شریعتی چه چیزی مانده است

«چهار زندان» شریعتی از توان انسان در عصیان بر جبرهای زندان خود، جامعه، تاریخ و طبیعت سخن می‌گفت و پرسش‌واره‌ای دشوار مطرح می‌کرد؛ در شرایطی که «خود» در مرکز و محور کنش‌های هرروزه شهروندان قرار گرفته است، چگونه می‌توان هویت جمعی را حول دموکراسی و عدالت شکل داد؟ به تعبیر دقیق‌تر آن سخنران، آن ایدئال مشترک که در دوره دوران ساز انقلاب منجر به شکل‌گیری «ما»ی همبسته شد، چگونه می‌تواند یک بار دیگر در تراز تکاملی تازه‌ای تکرار شود، بی‌آنکه استقلال فردی را در تابعیت از یک امر کلی مستحیل کند؟ درست در همین نقطه است که فراخوان شریعتی به بازگشت به مردم و مسئولیت‌داشتن در مقابل مردم سخت به دل می‌نشیند؛ چراکه او نیاز مبرم به تجدید حیات دینی و اخلاقی را با نیازی به همان اندازه مبرم برای حفظ خوداتکایی فردی و تبدیل شهروند به سوزه گزینشگر ترکیب می‌کرد. اینجاست که به تحلیل درخشان سخنران کانون توحید، شریعتی یک بار دیگر به‌عنوان پاسخی مدنی در برابر زوال اخلاقی، بحران معنا و بوجی رخ می‌نماید.

سخنران دیگری از آسیب‌های ملی‌گرایی فاشیستی و اقتدارگرا و از همه آن حرف‌هایی که شریعتی برای ملی‌گرایی مدنی دارد، گفت؛

ملی‌گرایی، به این شکل با آن شکل، اندکاندک تبدیل به گفتمان مسلط می‌شود. ائتلافی اعلام‌نشده میان نوعی خاص‌گرایی شیعی با نوعی خاص‌گرایی ملی و نژادی شکل گرفته که به یک اندازه از اسلام وحدت‌بخش عصر شریعتی و ارزش‌های عام و جهان‌شمول بشری فاصله دارد.

شریعتی در همان حال که از هویت ملی سخن می‌گفت، تک‌هویتی و تک‌بعدی نبود و سعی داشت ملیت را با زیست جهان جهانی‌شده امروز ترکیب کند. به تعبیر سخنران، تلاش شریعتی برای جمع میان هویت ملی و ارزش‌های جهانی، به آرمان کانت برای یک «فدرالیسم دموکراتیک جهانی» پهلوی می‌زند.



علی ربیعی

پس از آن همه عبورها که از شریعتی صورت گرفت، هنوز هم انکار چیزی از آموزه‌های او با ماست. شاید نخستین نسلی که از شریعتی عبور کردند، مجاهدین خلق قبل از انقلاب بودند که او را ذیل عنوان «روشنفکر خرده‌بورژوازی» طبقه‌بندی کردند. این عبور نفاق‌آلود، نه در جریان بحثی آزاد و انتقادی بلکه در پس تاریک خانه‌های تیمی انجام گرفت؛ اما از بیان علنی آن خودداری شد. این عبور نمونه‌ای آشنا از محاکمه‌های درون‌گروهي سازمان بود که دامنه آن شامل مردگان نیز می‌شد. سال‌ها بعد، وقتی سازمان یادشده نقشی در حاشیه ماشین جنگ و تجاوز یعنی بر عهده گرفت، عبور از شریعتی نیز علنی شد. در جریان اعتراف‌سازی‌هایی که «انقلاب ایدئولوژیک» نام گرفت، برخی از اعضا را به آنجا کشاندند که شریعتی درون را «بالا بیاورند» و مرزبندی‌های ضد او را تیزتر و علنی‌تر کنند. در سطح درون‌گروهي گفتند «شریعتی اگر می‌ماند، با رژیم می‌رفت» و در سطح علنی، روزنامه «مجاهد» به نقل از یکی از کادرهای سازمان به نام محمدعلی توحیدی نوشت: شریعتی «راه‌سومی» بود، به قول خودش «مارکس-ویری» بود و بنابراین اسلام او نمی‌توانست از جنس اسلام سازمان باشد. چه تهمت‌های شیرینی و چه توصیف خوبی برای جامعه‌شناسی که در فراسوی مارکس و ماکس وبر، جایی مستقل برای خود دست‌وپا کند و ضمن پرهیز از عیوب هر دو، منظرنگری اقتصاد سیاسی را با جامعه‌شناسی وبری درهم آمیزد. پنجشنبه در چهل‌ودومین یادمان شریعتی، احساس کردم هر نسلی انکار شریعتی خودش را دارد. این را می‌شد در بازتوصیف گفتمانی شریعتی دید؛ آنجا که جامعه‌شناسی جوان در بازتوصیف‌تر

ادامه در صفحه ۲